آیین مهرورزی/ میهمانی و میزبانی در سیره اهل بیت (علیهم السلام)

پدید آورنده : نجمه کرمانی ، صفحه 26

میهمان دوستی و میهمان نوازی از جمله برترین صفات انسانی است. این ویژگی در سیره پیشوایان اسلام بسیار دیده می شود و جایگاه ویژه ای نزد معصومان داشته است؛ چرا که این خصلت پسندیده دارای کارکردهای مفید و مهمی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است. چه بسا در افراد موجب تقویت روحیه بخشش و کرامت شده و از سوی دیگر ارتباط عاطفی بین اعضای جامعه را مستحکم تر ساخته و موجب اشاعه روح همدلی و وجدان جمعی حاکم بر جامعه می گردد.

ضرورت مهمان نوازی

توصیه ها و سفارش های معصومان در شرایط حساس زندگانی ایشان بیان گر حساسیت موضوع مورد سفارش است، و حساس ترین لحظه عمر هر کس لحظات پیش از مرگ او و وصیت های اوست. بر این مبنا نوشته اند حضرت زهرا (علیهاالسلام) آن گاه که در بستر شهادت واپسین ساعت های زندگی خود را می گذراند، یکی از اصحاب نزدیک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حضور ایشان رسید و حال شان را پرسید. سپس گفت: ای دختر رسول خدا! آیا پدر بزرگوارتان پیش از مرگ، چیزی گرانبها نزد شما گذاشته است؟ حضرت با ناتوانی خادم خود را فرا خواند و به او فرمود که جریده مخصوص او را بیاورد. خادم بسیار جست وجو کرد، ولی آن را نیافت. بازگشت و به فاطمه (علیهاالسلام) گفت: که آن را نیافته است.

فاطمه (علیهاالسلام) با پریشانی فرمود: بیشتر جست وجو کن تا آن را بیابی؛ چرا که آن نوشته نزد من بسیار اهمیت دارد. خادم حضرت پس از جست وجوی بسیار، سرانجام آن را در پارچه ای پیچیده شده در صندوقی یافت و خدمت حضرت آورد و فاطمه (علیهاالسلام) آن را گشود و نشان صحابی داد. در آن نگاشته شده بود: «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد بایستی مهمان خویش را گرامی بدارد و یا سخنی نیک بگوید و یا خاموش باشد.»

مهمان نوازی در سیره و سخن پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) همراه خانواده و خدمت کار و هم زمان با آنان غذا می خورد. اگر مسلمانی هم به میهمانی دعوت شده بود، همراه آنان، نشسته بر زمین و بر روی هر چه که دیگران طعام می خوردند، غذا می خورد و از هر چه خانواده اش می خوردند، با آنان می خورد. محبوب ترین غذا و سفره در نظر پیامبر، غذایی بود که شرکت کنندگان بیشتری بر سر طعام باشند.

بر سفره های جمعی، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زودتر از همه دست به غذا می برد و دیرتر از همه دست از غذا می کشید تا دیگران بدون حجب و حیا و خجالت کشیدن، غذا بخورند. می فرمود تا هر کس از جلوی خودش غذا بخورد. آن حضرت غذا خوردن به تنهایی را دوست نداشت و تنها غذا نمی خورد.

هرگاه با جمعی به میهمانی می رفت، اگر کسی که دعوت نبود، با او و یارانش همراه می شد، نزدیک خانه میزبان که می رسیدند، می فرمود: تو را که دعوت نکرده اند. همین جا باش تا برای تو هم از میزبان، اجازه بگیریم. هرگاه میهمان به خانه وی می آمد، با میهمان غذا می خورد و از سفره دست نمی کشید تا آن که میهمان از طعام دست بکشد. غذای داغ نیز نمی خورد.

سلمان فارسی می گوید: بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدم و دیدم آن بزرگوار به پشتی تکیه داده است. آن پشتی را برای من گذاشت و فرمود: ای سلمان! هر مسلمانی که برادر مسلمانش بر او وارد شود و جهت احترام و بزرگداشت برای او پشتی بگذارد، خداوند او را می آمرزد.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: هر مسلمانی که به مسلمانان دیگر خدمت کند، خداوند به تعداد آن ها در بهشت برایش خدمت گزار قرار می دهد. معاذ بن جبل می گوید: روزی میهمانی بر من وارد شد و من چیزی در خانه نداشتم، مگر مقداری نان خشک و آب گوشت که با خجالت آن ها را نزد او گذاشتم. بعدها از پیامبر پرسیدم: آیا این کار اجری هم داشته است؟ حضرت فرمود: اگر تمام فرشتگان آسمان ها جمع شوند، قادر نخواهند بود که ثواب این اطعام و اکرام را ذکر کنند.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: هنگام ملاقات و اولین برخورد، سلام کنید و مصافحه نمایید (یعنی دست یکدیگر را بفشارید) تا گناهانتان ریخته شود. بنابراین پیشوازی از میهمان و مصافحه کردن با او از وظایف میزبان است.

باز از آن حضرت روایت است: کسی که میهمان خود را غذا بدهد، خداوند از طعام ها و میوه های بهشتی به او می خوراند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برترین الگوی مهمان نوازی

«حاتم طایی» به جوانمردی و بخشش، در بین اعراب شهرت داشت و این خصلت را فرزندش عدی بن حاتم نیز به ارث برده بود. او روزی به رسم مهمانی به خانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد. در خانه فقیرانه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) جز حصیری کف اتاق و بالشی از پوست، چیز دیگری دیده نمی شد. پیامبر نشسته بود که «عدی بن حاتم» وارد شد. پیامبر برخاست و به او احترام فراوانی گذاشت و جای خود را به او داد و بالش از پشت خود برداشت و به نشانه احترام پشت عدی قرار داد و خود روی زمین نشست.

شرایط پذیرش مهمانی

مهمانی دارای شرایطی است که توجه به آن آموزه های مهمی را در بر دارد. نیکوست آن را از زبان امیر المؤمنین (علیه السلام) بیان کنیم. حارث هَمدانی از یاران نزدیک امیر المؤمنین بود و از دوستان حضرت به شمار می رفت. روزی برای دعوت امام به خانه خود، نزد ایشان رفت و از امام خواست که دعوت او را بپذیرد. امام فرمود: «دعوت تو را می پذیرم اما سه شرط دارم» پرسید: آن سه شرط چیست؟ امام فرمود:

غذایی از خارج منزل تهیه نکنی، هر چه در منزل یافت شد، بیاوری و دیگر این که خانواده ات را به زحمت نیندازی. او پذیرفت و به اتفاق امام به منزل رفت، ولی در خانه جز نان، چیز دیگری برای صرف غذا وجود نداشت، پس به خاطر شرط امام، با نان خالی از مهمان خود پذیرایی کرد.

آداب میزبانی در سیره معصومان (علیهم السلام)

1. رفتار نیکو با مهمان

رفتار نیکو با میهمان، نشان از جوانمردی و از خود گذشتگی میزبان دارد. روزی مردی خسته و گرسنه وارد مسجد پیامبر شد و اظهار گرسنگی کرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کسی را به منزل خود فرستاد تا ببیند آیا امکان پذیرایی یک شب از او وجود دارد یا نه؟ فرد به خانه پیامبر رفت و خبر آورد که در خانه ایشان جز آب هیچ چیز برای پذیرایی وجود ندارد. پیامبر رو به اصحاب خود کرد و فرمود: کیست که امشب این پیرمرد را نزد خود مهمان کند؟ صدایی آشنا بلند شد که: ای رسول خدا! من امشب او را مهمان خود، می کنم. او امیر المؤمنین بود که مثل همیشه در کار نیک پیش گام شده بود.

پیرمرد به همراه امیر المؤمنین (علیه السلام) به راه افتاد و به خانه امام رفت. امام، پس از راهنمایی مهمان به اتاق، نزد همسرش فاطمه (علیهاالسلام) رفت و پرسید: آیا در خانه غذایی هست؟ فاطمه با شرمندگی گفت:

ای اباالحسن! وعده ای غذا به اندازه یک نفر وجود دارد ولی ما مهمان را بر خود و فرزندان مقدم می داریم. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: پس بچه ها را بخوابان و غذا را بیاور. فاطمه (علیهاالسلام) فرزندان را خواباند. امام سفره گسترد و چراغ ها را خاموش کرد و غذا را جلوی مهمان گذاشت. ایشان در تاریکی دهان خود را تکان می داد و چنان وانمود می کرد که او نیز مشغول خوردن غذا است تا مهمان خجالت نکشد و هر چه می خواهد از غذا بخورد.

پیرمرد که بسیار گرسنه بود، در هنگام خوردن غذا، متوجه نشد که امام چیزی نمی خورد. او به خوردن ادامه داد تا غذای کاسه تمام شد.

سپس امام بستر خواب برای او گسترد و سفره را جمع کرد. پیرمرد به بستر رفت و خوابید. سحرگاه امام برای نماز برخاست و پیرمرد را بیدار کرد و به اتفاق، برای خواندن نماز صبح به مسجد رفتند.

وقتی به مسجد رسیدند، پیامبر با چشمانی اشکبار، در آستانه درب مسجد به انتظار آمدن امیر المؤمنین ایستاده بود. وقتی امام به مسجد رسید، پیامبر او را در آغوش کشید و فرمود: یا اباالحسن! دیشب عرشیان شگفت زده از رفتار و ایثار تو گشتند و این آیه بر من نازل شد:

«و یُؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة»؛ (حشر: 9) «و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آن ها را بر خودشان مقدم می دارند.»

2. نسپردن کار به میهمان

آن گاه که کسی، دیگری را مهمان می کند انگیزه اش پذیرایی و خدمت به اوست؛ از این رو کار کشیدن از او، هر چند اندک با انگیزه مهمان نوازی منافات پیدا می کند. روزی امام رضا (علیه السلام) مهمانی دعوت کرد و با احترام، مهمان خود را به داخل خانه آورد. پس از پذیرایی، با هم به گفت وگو پرداختند. در میان سخن آنان، باد چراغ را خاموش کرد. مهمان بی درنگ از جای خود برخاست که آن را روشن کند، ولی امام دست او را گرفت و نشانید و مانع شد که او از جایش بلند شود. سپس خود برخاست و چراغ را روشن کرد و دوباره کنار او نشست و برای این که مهمان ناراحت نشود با لبخندی به او فرمود: ما خاندانی هستیم که دوست نداریم مهمان خود را به کار بگیریم و او را به زحمت بیندازیم.

3. رعایت تفاوت های مهمانان

مؤمنان با هم برادرند، اما با هم برابر نیستند و بعضی بر بعض دیگر برتری دارند و رعایت این برتری خود نشانه ایمان است. امیر المؤمنین (علیه السلام) دو مهمان عزیز داشت. پدری به همراه پسرش برای مهمانی به خانه امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده بود. امام با احترام، آن دو را در صدر اتاق نشانید و خود در پایین نشست.

هنگام ظهر که شد، امام به قنبر دستور داد سفره بگسترد. قنبر برخاست و سفره انداخت، همگی سر سفره نشسته و غذا خوردند. پس از خوردن غذا، قنبر به رسم عرب ها برخاست و ظرفی آب و لگن و حوله ای آورد که دست مهمانان را بشوید.

امام ظرف آب را از دست او گرفت و خواست خود دست مهمان خویش را بشوید که مرد مهمان از جایش بلند شد و با شرمندگی گفت: ای امیر مؤمنان! من چگونه حاضر شوم که شما آب بر دست من بریزید و من دستم را بشویم؟

امام او را نشانید و فرمود: پروردگار، بین تو و برادرت تفاوتی نگذاشته است و او دوست دارد که هیچ یک اظهار برتری بر دیگری نکند. مهمان پذیرفت که امام بر دستش آب بریزد. او دستش را شست و امام به او حوله داد، تا دست خود را خشک کند. سپس فرمود: سوگند به خدا در این کار چنان آرامشی است که برایم تفاوت نمی کند که خودم دست تو را بشویم یا قنبر. سپس به محمد حنیفه فرمود: دست پسر را تو بشوی.

محمد برخاست و دست پسر را شست. پس از آن که مهمانان رفتند، قنبر از امام پرسید: چرا دست پدر را خود شستید و شستن دست پسر را به محمد بن حنیفه واگذاشتید. امام در پاسخ فرمود: اگر این دو، هر یک جداگانه به میهمانی آمده بودند دست هر دوی آن ها را خودم می شستم؛ چه پدر باشد و چه پسر، ولی چون آن ها با هم آمده بودند و خداوند نمی پسندد که بین پدر و فرزند به تساوی رفتار شود دست پدر را خودم شستم و شستن دست پسرش را به پسرم واگذار نمودم.

4. تعارف کردن به مهمان

از جمله آداب میزبانی تعارف به مهمان است؛ چرا که امکان دارد کم رویی و شرم مانع پذیرایی کامل از او شود.

بوی حلیم در خانه پیچیده بود و مهمانان گرسنه، در اتاق منتظر غذا نشسته بودند. امام صادق (علیه السلام) دستور داد تا غذا را زودتر بیاورند.

پس از انداختن سفره، امام به آن ها تعارف کرد. خادمان جلوی هر کدام از مهمانان ظرفی حلیم و قرصی نان گذاشتند و با تعارف امام همگی مشغول خوردن شدند، ولی به خاطر احترام و شرمی که از امام داشتند، به آرامی غذا می خوردند و در خوردن، کوتاهی می کردند. امام وقتی دید که مهمانان در محضر او خجالت می کشند، همگان را مخاطب خود قرار داد و فرمود: نزدیک تر بیایید و با اشتها بخورید.

با این سخن امام مهمانان اندکی آرامش بیشتری یافتند و جلوتر آمدند و با اشتهای بیشتری به خوردن غذا ادامه دادند.

آداب مهمانی در سیره معصومان (علیهم السلام)

1. پذیرفتن دعوت حتی از فقیران

اسلام برترین آیین برابری است. بزرگ ترین مخالف بردگی غیر خداست. آیینی است که به انسان هویت داد و ارزش واقعی او را تقوا بر شمرد، نه ثروت. اسلام بت تکبر و تفرعن را شکست تا همه در یک لباس نزد خدای خویش درآیند.

امام حسین (علیه السلام) آرام از کوچه های مدینه می گذشت، جمعی از فقیران را دید که به دلیل نداشتن خانه و کاشانه ای، در کنار مسجد بساطی گسترده و مشغول خوردن غذا بودند.

غذای آن ها بسیار ساده بود و در سفره چیزی جز نان خشکیده دیده نمی شد. امام خواست از کنار آنان عبور کند که فقیران پیشوای خود حضرت حسین (علیه السلام) را شناختند و به امام سلام کردند و گفتند: ای فرزند رسول خدا! بفرما از این غذا بخور!

امام بدون کوچک ترین تکبری با آنان روی زمین نشست و مشغول خوردن نان شد. وقتی غذا تمام شد امام این آیه را تلاوت کرد: پروردگار متکبران را دوست ندارد. (نحل: 23)

به آن ها رو کرد و فرمود: من دعوت شما را پذیرفتم، اکنون نوبت شماست که دعوت مرا بپذیرید و مهمان من شوید؛ من شما را برای خوردن ناهار به خانه ام دعوت می کنم.

آنان با اشتیاق دعوت امام را پذیرفتند و ظهر به خانه امام آمدند. امام نیز به خدمتکار خود فرمود: هر چه غذا در خانه ذخیره داری برای آن ها بیاور! و هنگام رفتن مبلغی پول و تعدادی لباس نیز به میهمانان خود داد.

2. دوری از مهمانی اشرافی

رعایت مساوات و عدالت در گام نخست بر عهده مسئولان جامعه و بزرگان قوم است. به امیر المؤمنین علی (علیه السلام) خبر دادند که یکی از کارگزاران او به نام «عثمان بن حنیف» در یک مهمانی اشرافی شرکت کرده است. دعوت شدگان همگی از ثروتمندان جامعه بودند و فقیری بر سر سفره آن میهمانی دیده نشده بود. امام از شنیدن این خبر برآشفت و بی درنگ قلم را برداشت و بر صفحه ای برای او نگاشت:

«من هرگز گمان نمی کردم که تو مهمانی جمعی را بپذیری که نیازمندان، از شرکت در آن منع شده باشند و ثروتمندان فقط بدان فرا خوانده شده باشند. به آنچه که می خوری بنگر که حلال است یا حرام و آنگاه که حلال بودن آن برای تو ابهام داشت، آن را از دهان خود بینداز و فقط آنچه را که به پاکی اش یقین داری بخور.»

پی نوشت ها:

1. الاصول من الکافی، ج 2، ص 667، ح 6.

2. سنن النبی، ص 166.

3. محاسن، ص 448.

4. سنن النبی، ص 177.

5. مکارم الاخلاق، ص 22.

6. سنن النبی، ص 67.

7. بحارالانوار، ج 16، ص 246.

8. مکارم الاخلاق، ص 20.

9. الاصول من الکافی، ج 2، ص 200.

10. بحر المحبه، ص 118.

11. بحارالانوار، ج 74، ص 153.

12. الاصول من الکافی، ج 2، ص 204.

13. همان، ص 659، ح 3.

14. بحارالانوار، ج 75، ص 455.

15.حاکم الحسکانی، شواهدالتنزیل، بی جا، مؤسسه چاپ ونشر،1411 ه.ق،ج2،ص332.

16. بحارالانوار، ج 29، ص 102.

17. منتخب التواریخ: ص 835.

18. بحارالانوار، ج 78، ص 450.

19. السید محسن الأمین العالمی، اعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، بی تا، ج 1، ص 580.

20. نهج البلاغه: نامه 45.